

روابط مثبت و قدرت مدیریت

ویل دان

نویسندگان: کنت بلانچارد

تد لاسیناک - چاک تامپکینز - جیم بالارد

مترجم: شهروز فرهنگ

توسعه
آموزش

عنوان و نام پدید آور	روابط مثبت و قدرت مدیریت ویل دان / کنت بلانچارد -- (و دیگران) مترجم شهروز فرهنگ
مشخصات نشر	تهران: توسعه آموزش، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ ص.
فروست	نگاه تازه، ۱۰
شابک	978-964-8617-90-0
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کنت بلانچارد، تد لاسینگ، جاک تامپکینز، جیم بالارد
یادداشت	عنوان اصلی: Whole done: the power of positive relationships, c2002
عنوان دیگر	اثر بخشی بیشتر در محیط کار و محیط خانه روش مدیریت ویل دان قدرت روابط مثبت
موضوع	انگیزش -- روابط بین اشخاص
شناسه افزوده	Blanchard, Kenneth H.
شناسه افزوده	بلانچارد، کنت، اچ، ۱۹۳۹، م.
شناسه افزوده	فرهنگ بیگوند، شهروز، ۱۳۳۲، مترجم
ردیف بندی کنگره	۱۰۹۱ الف ۵۰۳/ب۴
ردیف بندی دیویی	۶۵۸/۲۰
شماره کتابت ملی	۴۴۵۹۸۷۶۰

نام کتاب: روابط مثبت و قدرت مدیریت ویل دان

- ☐ مؤلف: کنت بلانچارد
- ☐ مترجم: شهروز فرهنگ
- ☐ مدیر تولید و طراح جلد: مهدی سجادی
- ☐ ناشر: انتشارات توسعه آموزش
- ☐ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
- ☐ نوبت چاپ: چاپ اول - فروردین ۱۳۹۱
- ☐ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۷-۹۰۰۰
- ☐ قیمت: ۳۰۰۰ تومان
- ☐ مرکز پخش: ۰۶۶۴۶۶۴۱۶-۰۶۶۴۶۶۵۲-۰۲۱
- ☐ ۰۳۱۱-۲۲۲۳۷۲۵
- ☐ ۰۲۵۱-۷۷۲۵۴۱۱

کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

مقدمه

هنگامی که در سال ۱۹۷۶ من و خانواده‌ام با استفاده از مرخصی که از دانشگاه ماساچوست گرفته بودم، به سان دیگو رفتیم، اولین جایی که به دیدن آن رفتیم "دنیای آب" (Sea World) بود. با هر کسی که صحبت می‌کردیم، به ما توصیه می‌کرد از نمایش نهنگ قاتل دیدن کنیم. با وجود آنکه می‌دانستم که نهنگ‌های قاتل مهاجم‌ترین موجودات اقیانوس هستند، اما نمی‌دانستم در این نمایش باید انتظار چه چیزی را داشته باشم. آیا فقط باید به تماشای شناکردن آنها در محوطه آبی می‌پرداختم؟ اما شگفتی هنگامی آغاز شد که به استادיום شامو (Shamu) وارد شدیم و نمایش آغاز شد! هنوز یک دقیقه نگذشته بود که همگی ما غرق حیرت شدیم.

مدیریت ویل دان

همچنانکه این موجودات خارق العاده که مربیان خود را بر پشت خود حمل می کردند و شناکنان در آب غوطه می خوردند را می دیدم، بیشتر و بیشتر مجذوب آنها شدم. به راستی چگونه به آنها آموزش داده شده بود تا این حرکات ظریف و ماهرانه را انجام دهند؟

بالهای بسیاری در مورد قدرت رابطه مثبت، و آموزش به مردم برای انجام کارها با ترتیب صحیح برای دستیابی به نتایج مطلوب در محیط کار و زندگی سخنرانی کرده و مطلبی نوشته بودم. اما با کمال نومییدی نتایج معکوسی را در خانه ها و سازمان ها شاهد بودم. گویا بنا براین بود که مردم همیشه کارها را با ترتیب نادرستی انجام دهند. اعتقادی راسخ داشتم که تنبیه نقشی مخرب در روابط انسانی دارد، همچنین به این نتیجه رسیدم که استفاده از چنین روشی در مورد نهنگ های قاتل ابداً عاقلانه نیست. هنگامی این اعتقاد در من بیشتر قوت گرفت که با گروهی از مربیان و مشتری ها از پشت صحنه نمایش شامو دیدن، و با چاک تامپکینز، سرمربی دنیای آب ارلاندو دیدار کردیم. من و چاک، که تقریباً به کار مشابهی می پرداختیم به توافقی در این زمینه دست یافتیم: او بایستی درباره آموزش نهنگ ها مطالبی به من می آموخت، و من در مورد آموزش افراد به او آموزش می دادم. در جریان کار هر دو به این نتیجه رسیدیم که مطالبی یکسان آموزش می دهیم! با این وجود، باید ایده های مهمی را از یکدیگر می آموختیم. من به ویژه مجذوب توانایی مربیان دنیای آب در استفاده از "بازآموزی"* شدم. در برخورد با هر رفتار

نامطلوب از جانب نهنگ‌ها، آنها بلافاصله انرژی آنها را به نقطه دیگری متمرکز می‌کردند. این راه کار بسیار ساده اما نیرومند به مربیان اجازه می‌دهد تا شرایطی ایجاد کنند که در آن، عمل نهنگ‌ها درست و صحیح باشد. هر کسی می‌داند که بزرگ جلوه دادن امری مثبت، به خوبی کار می‌کند. اما هنگامی که شخصی مرتکب عملی با نتایج منفی می‌شود، چه کار باید کرد؟ با این نکته بود که چاک و مربیان "دنیای آب" چشم مرا باز کردند. آنها به عوض تمرکز انرژی بر اینکه چه کار خطایی صورت گرفته است - کاری که بسیاری از ما می‌کنیم - انرژی را به سمت نتیجه‌ای مثبت تغییر جهت می‌دهند. هنگامی که من و چاک دریافتیم که بازآموزی و هدایت مجدد از یک سو و بزرگ جلوه دادن کار مثبت می‌تواند تفاوت عمده‌ای در روابط کاری و خانوادگی ایجاد کند، در مورد نوشتن کتابی مشترک درباره کاربرد این ایده‌ها به صحبت پرداختیم.

چند سال این پروژه به صورت ایده باقی ماند، تا اینکه چاک مرا به رئیس، دوست و همکارش، تادلاچیتاک، معرفی کرد. حالا ما سه نفر مشتاق گرد آمده بودیم تا این فکر تحقق یابد. اندکی بعد، من از دوست، همکار و دستیار قدیمی‌ام جیم بالارد دعوت کردم تا با ما هم‌داستان شود. با این تفصیل بود که "ویل دان" (Whale Done) حیات یافت. این کتاب مرا به وجد می‌آورد، و فکر می‌کنم مهم‌ترین کتابی است که در طول زندگی‌ام نوشته‌ام.